

حکم فقهی خرید و فروش تخمک

عباس رضایی

چکیده

یکی از مسائل مستحدثه، بحث خرید و فروش تخمک است که امروزه بسیاری از زوجها با آن سر و کار دارند. مشهور فقهای صدر اسلام به دلیل نجاست و عدم وجود منافع محلله کثیره برای تخمک، قائل به حرمت بیع بودند؛ لکن امروزه با توجه به وجود منافع کثیره برای تخمک آیا می توان جواز خرید و فروش تخمک را اثبات کرد یا خیر؟

نوشته حاضر با رویکرد تحلیلی و تطبیقی و با جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای به دنبال بررسی حکم فقهی خرید و فروش تخمک از منظر فقه پویای امامیه و اهل سنت است. با بررسی‌های صورت گرفته، نتیجه می گیریم که خرید و فروش تخمک جایز است، ضمن آنکه احتیاط در فروج واجب نبوده، بلکه مستحب است؛ لذا نمی تواند مانع خرید و فروش تخمک شود.

کلیدواژه‌ها: ملکیت، تخمک، خرید و فروش، مالیت، منفعت محلله عقلایی،

طهارت عوضین

مقدمه

انسان‌ها ذاتاً به فرزندآوری و ادامه نسل تمایل دارند، علاوه بر آنکه وجود فرزندان موجب استحکام بیشتر کانون گرم خانواده می‌شود؛ لذا یکی از بزرگ‌ترین مشکلات خانواده‌ها، مشکل ناباروری است که در برخی موارد از ناحیه زوجه است. اختلال در تخمک‌گذاری در ۳۹٪ موارد، علت اصلی ناباروری در زنان است؛ زیرا بدون عمل تخمک‌گذاری یا با وجود تخمک‌های نابارور، لقاح انجام نشده و زن باردار نخواهد شد و این امر موجب طلاق در بسیاری از زوجین می‌شود.

ولی امروزه با پیشرفت علم پزشکی و وجود روش‌های مختلفی مثل تلقیح مصنوعی مشکل ناباروری در بسیاری از موارد قابل حل است؛ لکن از آنجایی که این مسأله از مسائل مستحدثه در اسلام به شمار می‌رود، نص و کلام صریحی در جواز یا عدم جواز آن وجود ندارد، اما از آنجایی که دین مبین اسلام به تصریح قرآن کریم آخرین و کامل‌ترین ادیان الهی است دارای ادله‌ای است که از عمومات و اطلاقات این ادله می‌توان حکم فقهی مسائل مستحدثه‌ای همچون خرید و فروش تخمک را استنباط کرد.

همان‌طور که معصومان علیهم‌السلام هم به این مطلب اشاره دارند (بیان اصول و قواعد بر ماست و استخراج جزئیات بر عهده شماست).

همچنین با توجه به مستحدثه‌بودن مسأله خرید و فروش تخمک، دیگر نمی‌توان برای این مسأله پیشینه‌ای خاص بیان کرد. فقط در برخی **متفرقات** فقهی و در ذیل برخی استفتائات به این مسأله پرداخته شده است که از نوعی پراکندگی برخوردار است؛ لذا در این نوشته ابتدا ارکان و شروط اصلی تحقق بیع را بررسی کرده و در ادامه دلایل حرمت و جواز خرید و فروش تخمک و قاعده احتیاط در فروج را تحلیل و بررسی می‌نماییم تا بتوانیم جمع‌بندی کلی نسبت به مسأله حاضر داشته باشیم.

در نوشته حاضر به پرسش‌های ذیل پاسخ داده می‌شود:

۱. آیا تخمک مالیت دارد یا خیر؟
 ۲. آیا در خرید و فروش تخمک، ملکیت و طهارت عوضین شرط است؟
 ۳. حکم فقهی خرید و فروش تخمک از منظر امامیه چیست؟
 ۴. ادله امامیه بر حرمت یا جواز خرید و فروش تخمک کدامند؟
 ۵. اصل احتیاط در فروج، واجب است یا مستحب؟
- با پاسخ به پرسش‌های فوق می‌توان مالیت یا عدم مالیت تخمک را که در جواز بیع تخمک مؤثر است به دست آوریم و بسیاری از مشکلاتی را که در خرید و فروش تخمک و موضوع تلقیح مصنوعی وجود دارد، حل کنیم. همچنین برخی زوجین نابارور را از نعمت بزرگ فرزند بهره‌مند کرده و به بقای نسل انسان‌ها کمک نماییم.

۱- مفاهیم و کلیات

۱-۱. تخمک

تخمک سلولی است که پس از ترکیب با اسپرم، هسته اولیه و نخستین جنین را تشکیل می‌دهد.

۱-۲. منفعت عقلایی یعنی یک شیء خصوصیتی داشته باشد که موجب ایجاد میل و رغبت مردم و عقلا برای تحصیل آن و پرداخت عوض در مقابل آن شود.

۱-۳. بیع

بیع در لغت به معنای مبادله مال در مقابل مال بوده و معادل خرید و فروش در فارسی است. در اصطلاح هم برخی همان تعریف لغوی بیع را بیان کرده‌اند؛ اما نظر مختار، تعریف اصطلاحی بیع، اعطای شیء در مقابل شیء بوده و تعریف به مبادله مال در مقابل مال، تعریف به اخص است.

۲. نظر فقهای شیعه

۱-۲. مالیت تخمک

فرق مالیت و ملکیت

رابطه میان مالیت و ملکیت، رابطه عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی گاهی یک شیء هم ملکیت دارد و هم مالیت، مثل خانه و ماشین، ولی گاهی یک شیء فقط مال بوده و قابلیت تملیک ندارد؛ مثل موارد مباح قبل از حیات آن‌ها. در مقابل گاهی یک شیء فقط ملکیت داشته و مال نبوده و مالیت ندارد؛ مثل یک عدد گندم. (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۱۰/۱۶)

۱-۱-۲. ضابطه مالیت:

ضابطه مالیت داشتن یک شیء، داشتن منفعت محلله عقلایی است. (خویی، ۱۴۱۳: ۲۴/۱؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۶۹/۱) مقصود از محلله، داشتن منفعت حلال از منظر شارع است و مقصود از عقلایی هم یعنی مالیت آن شیء به مقداری باشد که عقلاً نسبت به آن رغبت نشان بدهند؛ مثل کتاب، خانه و علت اینکه یک شیء مالیت ندارد یا به خاطر کم بودن آن است؛ مثل یک دانه گندم یا به خاطر پستی آن است مثل کلاغ و حشرات (حلی، ۱۴۱۹: ۲/۴۶۵) یا به خاطر زیادی آن شیء است؛ مثلاً در یک منطقه برفی که برف بسیار است دیگر برف‌های موجود مالیت ندارند.

۲-۱-۲. استدلال بر اشتراط مالیت در بیع

کسانی که خرید و فروش تخمک را جایز نمی‌دانند بر عدم جواز بیع تخمک این چنین استدلال می‌کنند:

صغری: مالیت داشتن، شرط صحت بیع است. (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۱۰/۱۶)
کبری: زمانی شیء مالیت دارد که منفعت داشته باشد و چون تخمک منفعت ندارد؛ لذا جواز بیع هم ندارد.

۳-۱-۲. نقد و بررسی

ولاً: دلیلی از جانب شارع یا عرف وجود ندارد که مالیت را در عوضین شرط بدانند؛ البته برخی از فقها مالیت را در عوضین شرط می‌دانند؛ ولی باید طبق نظر اقوی که بیع را به دادن یک شیء در مقابل شیء دیگر تعریف کرده‌اند، نه مبادله کالا به کالا بیان داشت که تعریف بیع به مبادله کالا به کالا تعریف به اخص است؛ زیرا گاهی شخص اعلام می‌کند که اگر کسی خمر بیاورد من آن را خریدارم؛ ولی هدف او از بین بردن خمرها است تا افراد دیگر مرتکب معصیت نشوند. این یک عمل کاملاً عقلایی بوده و بیع نیز بر آن صادق است. (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۷/۳-۸)

ثانیاً: بر فرض که بپذیریم در عوضین، مالیت شرط است منتها طبق ضابطه‌ای که در مالیت یک شیء بیان شد، استدلال به عدم جواز خرید و فروش تخمک به خاطر نداشتن مالیت اشکال دارد؛ زیرا در زمان‌های گذشته که تخمک دارای منفعت محله نبود ممکن بود که به عدم جواز معاوضه آن نیز قائل شد؛ ولی امروزه که تخمک دارای منافع محله کثیره است و بنابراین مالیت پیدا می‌کند و طبق روایت «الناس مسلطون علی اموالهم» نیز جواز بیع تخمک وجود دارد، استدلال به عدم جواز بیع تخمک به خاطر نداشتن مالیت صحیح نیست.

ثالثاً: بر فرض اینکه بپذیریم با منع شارع، منفعت عقلایی آن نیز منتفی می‌گردد، باز ممکن است بگوییم برای صحت خرید و فروش، غرض و منفعت شخصی کافی است و نیازی به منفعت عقلایی نیست؛ بنابراین، هر جا منفعتی باشد، موضوع حرمت نیز منتفی خواهد بود. (ایروانی، ۱۴۰۶: ۵/۱)

۲_۲. آیا در بیع تخمک، ملکیت شرط است؟

یکی از ارکان صحت خرید و فروش تخمک، بحث ملکیت تخمک است که آیا تخمک قابلیت تملیک دارد یا خیر؟

۱_۲_۲. استدلال بر اشتراط ملکیت

صغری: ملکیت، شرط مقوم بیع است و باید متعاملان، مالک عوضین باشند تا بیع

صحیح باشد. (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۶/۲۱۰) صاحب جواهر نیز بر اینکه ملکیت عوضین، شرط بیع است ادعای عدم خلاف دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲/۳۴۳) و آیت الله حائری نیز به صراحت، ادعای اجماع بر مطلب دارند. (حائری، ۱۴۱۸: ۸/۲۲۰)

کبری: انسان، مالک اعضای خویش نیست، بلکه مالک اعضای انسان خداوند است؛ لذا انسان حق تصرف در اعضای خود را ندارد مگر زمانی که دلیلی از جانب شارع بر جواز تصرف انسان بر اعضای خودش داشته باشیم، اما چنین دلیلی که مالکیت انسان بر اعضای خود و جواز تصرف را اثبات کند، نداریم؛ لذا انسان مالک اعضای خود نبوده و جواز خرید و فروش آن‌ها وجود ندارد.

۲-۲-۲. نقد و بررسی

اولاً: مالکیت انسان منافاتی با مالکیت خداوند ندارد، بلکه مالکیت انسان در طول مالکیت خداوند است؛ زیرا سیره عقلا و وجدان، حاکم بر این مطلب هستند که هر انسانی مسلط بر نفس خود است. شارع مقدس نیز این سیره عقلا را منع نکرده و نهی‌ای از جانب شارع برای عدم تصرف انسان بر نفس خود وجود ندارد.

ثانیاً: بالفرض که انسان مالکیتی در طول مالکیت حق تعالی نداشته باشد و مالکیت حقیقی از آن خداوند باشد، نهایت ادعا این است که دلیلی بر جواز مالکیت انسان و جواز بیع اعضای خودش نداریم. در طرف مقابل هم دلیلی بر نهی و منع شارع از بیع نیز نداریم. در این حالت باید به اصول عملیه و اطلاعات ادله‌ای مثل «احل الله البيع و حرم الربا» (بقره/۲۷۵) «تجارة عن تراض» (نساء/۲۹) مراجعه کرد و حداقل، مالکیت به اندازه جواز خرید و فروش را اثبات کرد.

ثالثاً: این جواب‌ها بر فرض قبول صغرای قیاس (مالکیت در بیع شرط است) بود؛ ولی بنا بر نظر برخی از فقها مالکیت از مقومات بیع نیست تا در صورت عدم مالکیت، قائل به عدم صحت بیع شویم، بلکه برخی فقط قدرت بایع بر تسلیم مبیع را در صورت بیع، کافی می‌دانند. (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱۳/۳)

۲_۳. طهارت اصل عوضین

یکی دیگر از مباحثی که در جواز معاوضه نقش مهمی را ایفا می کند، بحث طهارت و نجاست عوضین است.

۲_۳_۱. موافقین اصل طهارت عوضین

برخی از فقها مانند شیخ حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۸۴/۱۷) با استناد به برخی از آیات و روایات، طهارت را شرط صحت معاوضه می دانند و برخی مانند شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۷/۱) بیع نجاسات را جایز نمی دانند.

۲_۳_۲. مخالفین اصل طهارت عوضین

در مقابل، برخی از فقها طهارت را در عوضین شرط نمی دانند؛ زیرا طهارت در مالیت عرفی اشیا، مخصوصاً اگر شیء از مأکولات و مشروبات نباشد، تأثیری ندارد و متشرعه وقتی شیء را مال محسوب کنند دیگر نجاست را در آن مانع نمی دانند.

۲_۳_۳. ادله موافقین اصل طهارت در عوضین

حال آیا دلیلی بر بطلان معامله در نجاسات وجود دارد یا خیر؟ از میان آیات برخی با استناد به آیاتی مثل «حرمت علیکم المیتة و الدم» و «و الرجز فاهجر» طهارت را شرط می دانند؛ به این صورت که در آیات مذکور، متعلق حرمت حذف شده و حذف متعلق، افاده عموم می دهد؛ لذا هر گونه انتفاع از محرمات حرام است؛ پس برای انتفاع و جواز معاوضه باید عوضین طاهر باشند.

۲_۳_۴. نقد و بررسی ادله موافقین اصل طهارت

در پاسخ می توان بیان کرد که طهارت در نجاسات، زمانی شرط است که بخواهیم در نجاسات از آن انتفاع مقصود بهره ببریم؛ مثلاً از دم در شرب و از میتة در اکل انتفاع ببریم؛ لکن انتفاع ما از تخمک در غیر منفعت مقصود از تخمک یعنی اکل و شرب است. از این رو طهارت در عوضین اگر هم شرط باشد برای بحث مانحن فیه دیگر مضر نیست.

۳. بررسی مبانی حکم خرید و فروش تخمک

۳-۱. ادله حرمت

۳-۱-۱. روایات

الف) نبوی مشهور که حضرت ﷺ می فرمایند:

«ان الله اذا حرم شيئاً حرم ثمنه» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۱۱۰/۲) بنابراین، چون تخمک حرام شده؛ لذا ثمنی که در مقابل آن قرار می گیرد، حرام است و خرید و فروش آن جایز نیست.

ب) روایاتی مانند روایت تحف العقول که دلالت بر این مطلب دارند که بیع شیء نجس باطل است و چون تخمک نیز نجس است؛ لذا خرید و فروش آن اشکال دارد.

۳-۱-۱-۱. نقد و بررسی

در مورد روایت نبوی مشهور باید بگوییم:

اولاً: این روایت مشکل سندی داشته و مرسل و ضعیف است.

ثانیاً: اگر هم از ضعف سندی آن دست برداریم، این حدیث نمی تواند حرمت مطلق انتفاع و معاوضه اشیای نجس را ثابت کند؛ چون مناسبت حکم و موضوع این اقتضا را دارد که فروش تخمک و اخذ ثمن در مقابل آن، تنها به لحاظ منفعت محرمة آن که اکل و شرب است، حرام باشد، نه همه منافع آن. اما در مورد روایت تحف العقول باید بگوییم که در بحث طهارت عوضین به این روایت پاسخ داده شد و در زمان حاضر با توجه به اینکه غرض از خرید و فروش تخمک، اکل و شرب آن نبوده، بلکه بحث لقاح مصنوعی آن مورد نظر است؛ لذا دیگر بحث اکل و شرب و نداشتن منفعت محلله مطرح نیست. تنها مسأله، نجاست تخمک است که اشتراط طهارت هم در همه جا به خصوص در مانحن فیه شرط نیست.

۳-۱-۲. اجماع

برخی از علما مانند علامه حلی (حلی، ۱۴۱۹: ۴۶۳/۲) و فاضل مقداد (فاضل مقداد،

۱۴۰۴: ۵/۲) بر عدم جواز بیع اعیان نجسه، ادعای اجماع دارند که این عدم جواز، شامل تخمک نیز هست.

۱-۲-۱. نقد و بررسی

اولاً: مدرک اجماع مذکور برخی از روایات است؛ لذا اجماع مدرکی بوده و معتبر نیست، ضمن آنکه از آن روایات هم نمی‌توان چنین حکمی را به دست آورد. ثانیاً: موضوع **اجماع قدما بر عدم جواز بیع نجاساتی** مثل تخمک از آن حیث بود که منفعت عقلایی ندارند؛ ولی در زمان حاضر از این حیث که منفعت عقلایی دارند مورد بحث است؛ لذا این دو موضوعاً با هم فرق می‌کنند.

۲-۳. ادله جواز

۱-۲-۳. بنای عقلا و وجود منفعت محلله

در عصر حاضر مسلماً تخمک دارای منفعت محلله عقلایی معتدبه است. مقتضای قاعده اولی عقلایی هم جواز انتفاع از هر چیزی است که دارای منفعت عقلایی باشد (اشتহারی، ۱۴۱۷: ۴۴۲/۲) مگر اینکه دلیلی بر منع وجود داشته باشد که طبق بررسی انجام شده به این نتیجه رسیدیم که منعی در جواز وجود ندارد؛ لذا خرید و فروش تخمک جایز است.

۲-۳-۳. آیات و روایات

بعد از اینکه ثابت شد دلیلی بر حرمت خرید و فروش تخمک وجود ندارد، بر اساس قاعده اولی اجتهادی اصولی، درباره همه امور و اشیا تازمانی که نهی‌ای از جانب شارع نرسیده باشد حکم به اباحه می‌شود. این قاعده را می‌توان از برخی آیات و روایات نیز به دست آورد؛ مانند روایتی از امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: «کل شیء مطلق حتی یرد فیہ النهی» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۶) و چون حکم حرمت خرید و فروش تخمک بیان نشده؛ لذا روایت دال بر اباحه آن است. در ضمن از برخی آیات نیز می‌توان جواز بیع را به دست آورد؛ مثل اطلاق آیه «احل الله البیع و حرم الربا» و «الا عن تکرار تجاره»

عن تراض» و «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» به این مضمون که مقصود از بیع در آیات، بیع عرفی است؛ یعنی عملی که عقلاً آن را بیع اعتبار کنند و شارع نیز آن را صحیح می‌داند، مگر اینکه دلیل خاصی بر منع آن از سوی شارع برسد.

۴. نظر فقهای اهل سنت

۴_۱. شافعی

عبد الرحمن جزیری در مقام تبیین نظر فقهای شافعی می‌نویسد:

«فقهای شافعی خرید و فروش هر چیز نجس، مثل خوک و سگ گرچه شکاری باشد را جایز نمی‌دانند.»

بنابراین خرید و فروش تخمک به دلیل نجاست، از نظر فقهای شافعی مذهب باطل است. اما شافعی‌ها عدم مالیت را در حرمت دخیل نمی‌دانند برخلاف نظر فقهای حنفی که علاوه بر نجاست، عدم مالیت را نیز در بطلان بیع دخیل می‌دانند. (جزیری، ۱۴۱۹: ۲۳۲/۲)

۴_۲. حنفی

وهبه زحیلی در مقام بیان شرایط بیع، ابتدا می‌فرماید که فقهای مالکی، حنبلی و شافعی طهارت در مبیع را به عنوان شرط معتبر می‌دانند، سپس در ادامه می‌فرماید که فقهای حنفی، شرط طهارت در مبیع را قبول ندارند مگر نجاساتی که خرید و فروش آن‌ها نهی شده باشد؛ مثل خوک. (زحیلی، ۱۴۰۹: ۳۵۸/۴)

وهبه زحیلی در بحث بیع نجس و متنجس می‌گوید که ابوحنیفه گفته بیع خوک و مردار صحیح نیست؛ چون آن‌ها مالیت ندارند؛ لذا ملاک در بطلان معامله نجس، دو چیز است: مالیت نداشتن و نجس بودن، البته همان‌طور که بیان شد فقهایمانند و هبه زحیلی در ملاک نجاست مناقشه‌هایی را مطرح کرده‌اند.

۴_۳. مالکی

عبد الرحمن جزیری (جزیری، ۱۴۱۹: ۲۳۱/۲) درباره نظر مذهب مالکی می‌گوید که فقهای مالکی گفته‌اند که خرید و فروش اشیای نجس، مثل استخوان مردار و پوست

آن جایز نیست؛ بنابراین فقهای مالکی همانند فقهای شافعی، ملاک حرمت بیع را تنها نجاست می‌دانند.

۴-۴. حنبلی

صاحب کتاب «الفقه علی المذهب الاربعه» آورده است که فقهای حنبلی خرید و فروش اشیای نجس، مثل شراب و خوک را جایز نمی‌دانند؛ بنابراین از منظر فقهای حنبلی هم ملاک حرمت نجاست است.

۴-۵. نقد و بررسی

در نقد و بررسی کلام اهل سنت، همان مطالبی که در باب قواعد باب معاملات ذکر شد، کفایت می‌کند؛ لذا دیگر نجاست یا عدم مالیت نمی‌تواند دلیل بر عدم جواز خرید و فروش تخمک باشد.

۵. اصل احتیاط در فروج

آیا خرید و فروش تخمک در حالی که علما بر احتیاط در فروج تأکید دارند جایز است یا خیر؟

در این مسأله دو دیدگاه مطرح است:

۱. مشهور که قائل به احتیاط هستند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۶/۳۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴:

(۱۱۸/۸)

۲. برخی از فقها که احتیاط در فروج را واجب نمی‌دانند، بلکه آن را مستحب می‌دانند؛ مثل سایر موارد شبهه حکمیه.

مشهور برای کلام خویش به آیه شریفه ۳۱ سوره نور و چند روایت دیگر استناد نموده‌اند. آیه شریفه مورد استناد آن‌ها با چند اشکال مواجه بوده و روایات مورد استناد آن‌ها نیز اولاً معارض دارند و ثانیاً این روایات بر ارشادی بودن حمل می‌شوند. در مقابل کلام مشهور، برخی فقها با استناد به چند روایت صحیح، احتیاط را واجب ندانسته، بلکه قائل به استحباب احتیاط شده‌اند؛ زیرا روایات دال بر جواز از حیث دلالت، از روایات دال بر احتیاط اقوی هستند. سلمنا که این روایات از حیث دلالت هم اقوی

نباشند با روایات دال بر احتیاط تعارض کرده و در تعارض نیز بنا بر اصلی اولی (چه تساقط و چه توقف) به اصول عملیه مراجعه و اصل برائت جاری می‌کنیم.

در صورتی که بخواهیم طبق قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» هم پیش برویم باز هم خلاف نظر مشهور خواهد بود؛ زیرا مقتضای جمع عرفی میان دو دلیل در حالی که یکی دال بر احتیاط و دیگری دال بر جواز است، حمل روایات بر استحباب خواهد بود.

نتیجه‌گیری

چنان که بیان شد، ابتدا تخمک، طبق قواعد باب معاملات مورد بررسی قرار گرفت که ثابت شد مالیت و ملکیت داشتن در مبیع شرط نبوده، ضمن آنکه در عوضین، طهارت در صورتی شرط است که بخواهیم از عوضین در آن انتفاع غالب بهره ببریم و چون انتفاع غالب تخمک، اکل و شرب آن است و ما در غیر از اکل و شرب می‌خواهیم از آن انتفاع ببریم؛ لذا دیگر طهارت شرط نیست.

همچنین ادله فقهای امامیه و اهل سنت، بر جواز و عدم جواز خرید و فروش تخمک اقامه شد که به ادله حرمت یک سری اشکالاتی وارد شد، اما در مقابل به وسیله ادله جواز خرید و فروش تخمک که مهم‌ترین آن وجود منفعت عقلایی بود، ثابت شد که خرید و فروش تخمک اشکالی ندارد، ضمن آنکه با بررسی اصل احتیاط در فروج مشخص شد که ادله دال بر وجوب احتیاط، اولاً از حیث دلالتی دچار ضعف هستند **و در مقابل از قوت دلالتی برخوردارند.** ثانیاً بر فرض عدم اشکال دلالتی باید به اصول مراجعه شود و اصل نیز جواز خواهد بود. در پایان پیشنهاد می‌شود که کاربردها و تطبیقات خرید و فروش تخمک در مقاله‌ای جدا بیان شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی الثالی الزیزیة فی الاحادیث الدینیة، ۴جلدی، قم، دار سید الشهداء، ۱۴۰۵ق.
۲. اشتهااردی، علی پناه، مدارک العروة، ۳۰جلدی، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
۳. امام خمینی، روح الله موسوی، المكاسب المحرمة، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ق.
۴.، کتاب البیع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
۵. انصاری، مرتضی، کتاب المكاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۶. جزیری، عبد الرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دار الثقلین، ۱۴۱۹ق.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۸. ت
۹. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، ۱۶جلدی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.
۱۰. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، نهاية الاحکام فی معرفة الأحکام، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۹ق.
۱۱. موسوی ة
۱۲. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامیه و ادلته، دمشق، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۱۳. سبزواری، سید عبد الاعلی، مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.

۱۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.